

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول
۱	کلیات پژوهش
۲	(۱-۱) تعریف مسأله:
۳	(۲-۱) حدود پژوهش:
۳	(۳-۱) فرضیات پژوهش:
۴	(۴-۱) اهداف پژوهش:
۴	(۵-۱) ساختار پژوهش:
۵	فصل دوم:
۵	مروری بر ادبیات موضوع
۶	بخش اول : مبانی نظری تورم
۶	(۱-۲) تعریف تورم و انواع آن
۷	(الف) تورم خفیف
۷	(ب) تورم شدید
۷	(ج) تورم بسیار شدید
۸	(۲-۱-۲) نظریه های اقتصادی در خصوص علل تورم
۸	(۱-۲-۱-۲) نظریه پولی تورم
۱۰	(۲-۲-۱-۲) نظریه تورم فشار تقاضا
۱۰	(۳-۲-۱-۲) نظریه تورم فشار هزینه
۱۱	(۴-۲-۱-۲) نظریه تورم ساختاری
۱۲	بخش دوم: مبانی نظری رشد اقتصادی
۱۲	(۲-۲) مروری بر ادبیات رشد از منظر اقتصادی
۱۲	(۱-۲-۲) تعاریف رشد در ادبیات اقتصادی

۱۳ ۲-۲-۲) مروری بر مدل های رشد در ادبیات اقتصادی
۱۴ ۱-۲-۲-۲) الگوی رشد کلاسیک
۱۵ ۲-۲-۲-۲) نظریه رشد اقتصادی هارود - دومار
۱۶ ۳-۲-۲-۲) الگوی رشد نئوکلاسیکی
۱۷ ۴-۲-۲-۲) الگوهای رشد درونزا
۲۰ ۳-۲-۲) بررسی رابطه بین تورم و رشد اقتصادی از دیدگاه نظری
۲۵ فصل سوم:
۲۵ مروری بر مطالعات تجربی
۲۶ ۱-۳) مطالعات انجام شده در خارج از کشور
۳۷ ۲-۳) مطالعات انجام شده در داخل کشور:
۴۶ فصل چهارم
۴۶ معرفی روش، الگو و یافته های پژوهش
۴۷ ۱-۴) روش خودتوضیح برداری با وقفه های گسترده (ARDL)
۵۰ ۲-۴) الگوی تصحیح خطا (ECM)
۵۰ ۳-۴) معرفی الگو
۵۵ ۵-۴) تخمین مدل تشریح شده به روش ARDL:
۵۶ ۶-۴) الجزایر:
۵۸ ۱-۶-۴) تخمین مدل
۵۸ ۱-۱-۶-۴) نتایج حاصل از ARDL کوتاه مدت:
۵۹ ۲-۱-۶-۴) نتایج حاصل از تخمین بلندمدت مدل:
۶۲ ۷-۴) اندونزی:
۶۴ ۱-۷-۴) تخمین مدل:
۶۴ ۱-۱-۷-۴) نتایج حاصل از ARDL کوتاه مدت:
۶۵ ۲-۱-۷-۴) نتایج تخمین بلندمدت مدل:

۶۶	تفسیر ضرایب متغیرهای الگو: (۲-۷-۴)
۶۸	جمهوری اسلامی ایران: (۸-۴)
۷۰	تخمین مدل (۱-۸-۴)
۷۰	نتایج حاصل از ARDL کوتاه‌مدت: (۱-۱-۸-۴)
۷۲	نتایج تخمین بلندمدت مدل: (۲-۱-۸-۴)
۷۳	تفسیر ضرایب متغیرهای الگو: (۲-۸-۴)
۷۵	عربستان: (۹-۴)
۷۷	تخمین مدل (۱-۹-۴)
۷۷	نتایج حاصل از ARDL کوتاه‌مدت: (۱-۱-۹-۴)
۷۸	نتایج تخمین بلندمدت مدل: (۲-۱-۹-۴)
۷۹	تفسیر ضرایب متغیرهای الگو: (۲-۹-۴)
۸۱	ونزوئلا: (۱۰-۴)
۸۳	تخمین مدل (۱-۱۰-۴)
۸۳	نتایج حاصل از ARDL کوتاه‌مدت: (۱-۱-۱۰-۴)
۸۴	نتایج تخمین بلندمدت مدل: (۲-۱-۱۰-۴)
۸۵	تفسیر ضرایب متغیرهای الگو: (۲-۱۰-۴)
۸۸	فصل پنجم
۸۸	نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۸۸	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:
۹۱	پیوست
۱۰۹	منابع و مآخذ

چکیده:

اقتصاددانان در قالب مدل‌های رشد، توجه زیادی به عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی مبذول داشته‌اند. در این بین یکی از مباحث بحث‌برانگیز اثر تورم بر رشد اقتصادی بوده و مطالعات نظری و تجربی فراوانی در این زمینه صورت گرفته و تورم به عنوان یک عامل مهم و مؤثر بر رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. اما مسأله‌ای که در اینجا مطرح است این است که اثر تورم بر رشد به چه صورت است؟ آیا تورم در تمام سطوح اثر یکسانی بر رشد دارد یا اینکه در سطوح مختلف اثرات متفاوتی بر رشد می‌گذارد؟

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر تورم بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اوپک شامل الجزایر، اندونزی، ایران، عربستان سعودی و ونزوئلا در طی دوره (۲۰۰۷-۱۹۸۰) می‌باشد. مدل عرضه شده بر اساس جدیدترین مدل‌های رشد و بر پایه مدل‌های بارو، الکساندر و... ارائه شده است. در این پژوهش به منظور برآورد مدل از روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در کشورهایی که میانگین نرخ تورمی دو رقمی وجود داشته اثر تورم بر رشد اقتصادی منفی و معنادار بوده است و برای میانگین یک رقمی که تنها در کشور عربستان وجود داشته اثر تورم بر رشد منفی بوده ولی معنادار نیست.

واژگان کلیدی: تورم، رشد اقتصادی، اوپک، ARDL

فصل اول:

کلیات پژوهش

مقدمه:

تورم یکی از مشکلات مهم اقتصاد کلان در کشورهای مختلف محسوب می‌شود. با توجه به اینکه تورم می‌تواند متغیرهای دیگر اقتصاد کلان را تحت تأثیر قرار دهد، از این رو، اثرات اقتصادی تورم یکی از موضوعات مهم اقتصاد کلان می‌باشد. مطالعات فراوانی جهت شناسایی علل و آثار این پدیده صورت گرفته اما به دلیل پیچیدگی موضوع هنوز ابهاماتی در این زمینه وجود دارد. از طرفی تسریع در روند رشد و توسعه اقتصادی نیز، از اهداف مهم اقتصادی است. اما وجود ارتباط بین تورم و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف همواره یکی از موضوعات مورد بحث در بین اقتصاددانان بوده است و مباحث نظری و تجربی متفاوتی در این زمینه ارائه شده است. این مباحث نشان می‌دهد که نمی‌توان به یک نتیجه قطعی در مورد تأثیر تورم بر رشد اقتصادی دست یافت از این رو در تحقیق حاضر قصد داریم تا رابطه بین این دو متغیر را در کشورهای منتخب اوپک مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۱) تعریف مسأله:

موضوع تورم و رشد اقتصادی یکی از مباحث مورد مناقشه بین اقتصاددانان است که پیرو مطالعه کلیدی بارو^۱ (۱۹۹۵) توافق چندانی در خصوص ارتباط این دو متغیر وجود ندارد. بررسی نتایج مطالعات انجام شده پیرامون رابطه بین تورم و رشد اقتصادی تاکنون مؤید آن است که رابطه روشن و دقیقی حاصل نشده است و وجود انبوه مطالعات انجام شده در این خصوص طی سالهای اخیر خود گواهی بر این مدعاست که هنوز محققین می‌کوشند تا راه‌های جدیدی جهت حل این معمای اقتصاد کلان معرفی کنند. بر این اساس، سه نظریه اقتصادی به تناسب مفروضات از پیش تعیین شده مطرح شده است:

❖ طبق نظریه ساختارگرایان، تورم اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. در این نظریه، حداقل تا نرخ معینی از تورم، وجود رابطه مثبت میان تورم و رشد اقتصادی برقرار است. (جعفری صمیمی و قلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲)

^۱. Barro(1995)

❖ در نظریه انحراف‌گرایان، که معتقد به ایجاد انحرافات اقتصادی ناشی از تورم می‌باشند، تورم اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. در واقع عدم کارآیی که توسط تورم بالا ایجاد می‌شود از رشد اقتصادی جلوگیری می‌کند. (جعفری صمیمی و قلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲)

❖ همچنین دیدگاه سومی که متعلق به سیدروسکی^۱ است، وجود دارد. وی با کمک روش بهینه‌سازی رفتار عوامل اقتصادی و با در نظر گرفتن مانده حقیقی پول در تابع مطلوبیت نشان داد که اثر تورم پولی بر رشد اقتصادی خنثی است. این نظریه که تحت عنوان نظریه خنثی شناخته شده، به وسیله انتظارات عقلایی مطرح شده است.

اکنون با وجود ابهامات فوق در زمینه رابطه تورم و رشد اقتصادی، تحلیل‌های تجربی جهت رفع این ابهامات لازم است. بنابراین بررسی رابطه تورم و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اوپک مسأله اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

۱-۲) حدود پژوهش:

تحقیق حاضر تلاش می‌کند رابطه بین تورم و رشد اقتصادی را در کشورهای با ساختار اقتصادی تقریباً همگون (کشورهای صادر کننده نفت، اوپک) که عمدتاً متکی بر درآمدهای نفتی بوده و این درآمدها یکی از دلایل عمده بروز تورم در این کشورها به شمار می‌روند مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس با استفاده از داده‌های کشورهای منتخب اوپک (الجزایر، اندونزی، ایران، عربستان و ونزوئلا) طی سال‌های ۲۰۰۷ - ۱۹۸۰ رابطه بین تورم و رشد اقتصادی در این کشورها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. داده‌های مورد نیاز در بررسی این کشورها، به صورت کتابخانه‌ای بر اساس اطلاعات موجود در شاخص‌های توسعه جهانی^۲ و اوپک^۳ گردآوری شده است.

۱-۳) فرضیات پژوهش:

۱. بین تورم و رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب OPEC رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

^۱. Sidrauski, (1967)

^۲. World Development Indicator

^۳. Annual Statistical Bulletin

۲. اثرات منفی تورم بر رشد اقتصادی در کشورهایی که وابستگی شدیدتری به نفت دارند بیشتر است.

۴-۱) اهداف پژوهش:

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین تورم و رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب اوپک و آزمون فرضیه رابطه منفی تورم و رشد اقتصادی در این کشورها می باشد. برای رسیدن به این هدف با استفاده از روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده، $ARDL^1$ طی سالهای ۱۹۸۰-۲۰۰۷ به بررسی این موضوع به صورت جداگانه در هر کدام از کشورهای ذکر شده خواهیم پرداخت.

۵-۱) ساختار پژوهش:

این پژوهش در پنج فصل تنظیم گردیده است. فصل اول به مقدمات و کلیات اختصاص دارد. فصل دوم به مروری بر ادبیات موضوع پرداخته شده است. در این فصل به مروری بر مبانی نظری تورم و رشد اقتصادی و رابطه این دو متغیر پرداخته شده است. فصل سوم رابطه تجربی تورم و رشد اقتصادی در ایران و سایر کشورها اشاره شده است. معرفی روش پژوهش، الگوی مورد استفاده و ارزیابی رابطه تورم و رشد اقتصادی ساختار فصل چهارم را تشکیل می‌دهد. فصل پایانی به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها اختصاص یافته است.

¹ Autoregressive Distributed Lag

فصل دوم:

مروری بر ادبیات

موضوع

مقدمه

در این فصل ادبیات تورم و رشد اقتصادی از دیدگاه نظری و تجربی بررسی شده است. بر این اساس در قسمت اول به تورم و انواع آن و نظریه‌های اقتصادی در خصوص دلایل آن پرداخته و در قسمت دوم ادبیات الگوهای رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان دیدگاه‌های نظری میان تورم و رشد اقتصادی بررسی شده است.

بخش اول : مبانی نظری تورم

۲-۱) تعریف تورم و انواع آن

در میان انبوه تعاریف و تفاسیر مربوط به تورم، برای دستیابی به یک تعریف منسجم و نسبتاً دقیق، لازم است تعاریف مربوط به این پدیده از چند دیدگاه مطرح شود. توبین^۱: تورم را بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌های پولی، کالاها و خدمات در یک دوره زمانی معین تعریف کرده است. لرنر^۲، انستیتو بررسی آمار اقتصادی فرانسه، کینز^۳ و پروکس^۴، تورم را به عنوان عدم انطباق و نابرابری عرضه و تقاضا تفسیر کرده‌اند و در این میان کینز با تعاریف نسبتاً کامل‌تری، تورم را ناشی از فزونی تقاضای قطعی در وضع اشتغال کامل بیان کرده است (کتابی، ۱۳۷۱، ص ۲۵). عده‌ی زیادی از صاحب‌نظران اقتصادی نظیر بارو^۵، مارشال^۶، میردال^۷ و رابینسون^۸ تورم را با افزایش زیاد و مداوم سطح قیمت‌ها مترادف دانسته‌اند (جعفری صمیمی و قلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۷)

فریدمن^۹ نیز تورم را افزایش مداوم و مستمر سطح عمومی قیمت‌ها و لیدلر و پارکین^{۱۰} تورم را فرآیند مستمر افزایش قیمت و یا فرآیند مستمر کاهش ارزش پول تعریف کرده‌اند (معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، ص ۲).

^۱. Tobin, (۱۹۶۵)

^۲. Lerner, (۱۹۴۹)

^۳. Keynes, (۱۹۲۲)

^۴. F.Perroux

^۵. Barro

^۶. Marshal

^۷. Myrdal

^۸. Robinson

^۹. Friedman, (۱۹۶۳)

^{۱۰}. Laidler and Parkin, (۱۹۷۵)

با توجه به این تعاریف می‌توان به این نتیجه رسید که افزایش عمومی قیمت‌ها که در بیشتر تعاریف به آن اشاره شده می‌تواند به عنوان تعریف مناسبی از تورم در نظر گرفته شود. تورم را بر مبنای شدت آن می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) تورم خفیف

در این نوع تورم شاخص قیمت‌ها با اثری ملایم و معتدل، با نسبت ثابت و قابل پیش‌بینی افزایش می‌یابد. در این حالت تورم معمولاً با افزایش و رشد یک رقمی در سطح عمومی قیمت‌ها در سال همراه است. در چنین شرایطی پیش‌بینی درآمد و هزینه واقعی سرمایه‌گذاری نیز امکان‌پذیر است. در این حالت تمایل به سرمایه‌گذاری از یک طرف و سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار از سوی دیگر افزایش می‌یابد. به این نوع تورم، تورم خزنده نیز اطلاق می‌شود (جعفری‌صمیمی و قلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۷).

ب) تورم شدید

در این تورم یا تورم شتابان، آهنگ افزایش قیمت‌ها سریع و شدید است. هر چند ضابطه خاصی برای تعیین دامنه این نوع تورم وجود ندارد، اما نرخ‌های رشد قیمت بیش از ده درصد را می‌توان به این نوع تورم اطلاق نمود. در نهایت دامنه تغییرات به حدی است که عملکرد تورم کمتر قابل پیش‌بینی است و بنابراین شرایط و اطلاعات لازم را در اختیار اشخاص قرار نمی‌دهد و در نتیجه تابع منظمی از انتظارات شکل نمی‌گیرد (جعفری‌صمیمی و قلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۷).

ج) تورم بسیار شدید

این نوع تورم شدیدترین حالت تورم به شمار می‌رود. مشخصه اصلی این تورم که به آن تورم افسارگسیخته یا ابرتورم نیز گفته می‌شود، بروز یک حالت بی‌اعتمادی کامل و مطلق در مردم نسبت به واحد پول ملی است و برای توقف آن معمولاً خود پول و یا واحد پول را تغییر می‌دهند. افزایش قیمتی حدود ۵۰ درصد در ماه را به عنوان ملاک تشخیص تورم بسیار شدید در نظر می‌گیرند (جعفری‌صمیمی و قلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۸).

۲-۱-۲) نظریه های اقتصادی در خصوص علل تورم

برای توضیح علل تورم و علت شروع یا تداوم تورم نظریه‌ها و دلایل مختلفی مطرح شده است که تا حدی بیانگر دیدگاه‌های متفاوت اقتصاددانان می‌باشد. گرچه بعضی از اقتصاددانان صرفاً بر یکی از این نظریات برای توضیح تورم تأکید می‌کنند، اما ممکن است در عالم واقع تورم با ترکیبی از نظریات زیر قابل توضیح باشد. در این قسمت به ترتیب به توضیح مختصری از نظریه‌های مختلف تورم می‌پردازیم.

۲-۱-۲-۱) نظریه پولی تورم

نظریه پولی تورم یا همان نظریه مقداری پول که از حدود دو قرن پیش مطرح بوده است، تنها علت تورم را تغییرات حجم پول ذکر می‌کند. این نظریه تورم، بیان دیگری از سیاست پولی و تغییرات حجم پول در حالت عرضه کل عمودی کلاسیک می‌باشد. نظریه پولی تورم با استفاده از یک معادله تحت عنوان معادله مبادله بیان می‌شود. این معادله بیان ساده شده‌ای از واقعیت بوده و امروز بیشتر و به صورت زیر ارائه می‌شود.

$$M \cdot V = P \cdot Y \quad (1)$$

در رابطه فوق M حجم پول در گردش، V سرعت گردش پول یا متوسط تعداد دفعات دست به دست شدن هر واحد پول طی یک دوره (یکسال) برای انجام داد و ستد، P شاخص قیمت‌ها یا سطح عمومی قیمت‌ها، و Y سطح تولید یا درآمد ملی حقیقی است.

طرف چپ معادله فوق ارزش داد و ستدهای انجام شده طی یکسال و طرف مقابل آن ارزش کالاها و خدمات تولید شده (داد و ستد شده) است. حال با اضافه کردن دو فرض ساده زیر به معادله فوق شکل خام نظریه مقداری پول یا نظریه پولی تورم به دست می‌آید:

$$(1) \text{ فرض می‌شود } V \text{ (سرعت گردش پول) ثابت است.}$$

$$(2) \text{ فرض می‌شود } Y \text{ (تولید حقیقی) در اشتغال کامل بوده و ثابت است.}$$

با در نظر گرفتن این فرض نتیجه‌ای که از معادله مبادله بدست می‌آید این است که هر گونه تغییر در M سبب تغییر در P به همان نسبت می‌شود. به عبارت دیگر هر تغییری در حجم

پول سبب تغییر در سطح قیمت‌ها به همان نسبت می‌شود. مثلاً دو برابر شدن حجم پول سبب دو برابر شدن سطح قیمت‌ها می‌شود.

حال اگر معادله ۱ را بر اساس معادله رشد به دست بیاوریم خواهیم داشت:

$$\dot{M} + \dot{V} = \dot{P} + \dot{Y} \quad (2)$$

با توجه به فروض گفته شده داریم $\dot{V} = 0$ و $\dot{Y} = 0$ زیرا سرعت گردش پول و تولید حقیقی

ثابت بوده و لذا رشد آنها صفر است در این صورت می‌توان نوشت:

$$\dot{M} = \dot{P} \quad (3)$$

رابطه (۳) که نظریه مقداری پول را به زبان رشد بیان می‌کند، بیانگر آن است که رشد حجم

پول سبب همان میزان رشد قیمت‌ها می‌شود.

در شکل نوین نظریه مقداری پول، مقدار تولید حقیقی در طول زمان ثابت نیست بلکه بر اثر

رشد نهاده‌ها، تولید سالیانه با نرخ کم و بیش ثابتی در حال رشد است. به عبارت دیگر خود تولید

اشتغال کامل نیز در طول زمان در حال رشد است چنانچه تولید در طول زمان رشد داشته باشد y

دیگر صفر نخواهد بود، لذا می‌توان از رابطه (۲) چنین نوشت:

$$\dot{M} = \dot{P} + \dot{Y} \quad (4)$$

با انتقال y به سمت چپ خواهیم داشت:

$$\dot{M} - \dot{Y} = \dot{P} \quad (5)$$

رابطه (۵) بیانگر آن است که مازاد بر رشد تولید، \dot{Y} ، هر گونه رشد حجم پول منجر به تورم

خواهد شد. قاعده سیاستی مهم پولیون یا پیروان نظریه پولی تورم آن است که برای آنکه تورم بروز

نکند باید $\dot{M} = \dot{Y}$ باشد. این بدان معنی است که باید حجم پول به اندازه رشد تولید رشد نماید. اگر

تولید رشد کند و حجم داد و ستد بیشتر شود و چنانچه سرعت گردش پول ثابت باشد، لازم است

حجم پول نیز به اندازه تولید رشد نماید تا نیاز به پول که بر اثر داد و ستد بیشتر افزایش یافته

است تأمین شود و با توجه با اینکه \dot{Y} یا رشد تولید عدد کم و بیش ثابتی است، پس قاعده مهم

پولیون آن است که حجم پول سالیانه با نرخ ثابتی رشد کند تا ضمن تأمین پول مورد نیاز اقتصاد،

تورم نیز بروز نکند.

در ضمن پیروان تورم پولی معتقدند که در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها علت تورم تغییرات حجم پول است و تورم یک پدیده پولی است. پس سایر عوامل ممکن است موقتاً به تغییر قیمت‌ها بیانجامد اما سبب افزایش قیمت‌ها یا تورم نمی‌شود (رحمانی، ۱۳۷۹، صص ۱۲۱-۱۲۳).

۲-۱-۲) نظریه تورم فشار تقاضا

تورم ناشی از افزایش تقاضا که حتی می‌تواند نظریه پولی تورم را به عنوان یک حالت خاص شامل شود علت بروز تورم را فشار وارده از طرف تقاضای اقتصاد و فزونی آن نسبت به عرضه می‌داند. به عبارت دیگر افزایش تقاضای کل می‌تواند منجر به افزایش قیمت‌ها شود و چنانچه افزایش تقاضای کل تداوم یابد به تداوم افزایش قیمت‌ها و ایجاد تورم می‌انجامد. به همین دلیل به این نوع تورم، تورم ناشی از افزایش تقاضا یا فشار تقاضا گفته می‌شود. در این نوع تورم که یکی از نظریه‌های تورم کینزی می‌باشد افزایش تقاضا علاوه بر افزایش قیمت‌ها و پدید آمدن تورم، باعث کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال می‌شود که این همان نوع تورمی است که با منحنی فیلیپس نیز توضیح داده می‌شود بدین معنی که افزایش تورم با کاهش بیکاری همراه است (تشکینی و مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۸۰).

۲-۱-۳) نظریه تورم فشار هزینه

در این نظریه بر خلاف نظریه قبلی که ریشه در طرف تقاضای اقتصاد دارد، افزایش هزینه تولید و انتقال منحنی عرضه کل علت اصلی افزایش قیمت‌ها و ایجاد تورم می‌باشد و افزایش هزینه‌های تولید می‌تواند ناشی از افزایش دستمزد و یا افزایش قیمت مواد اولیه مهم مانند نفت باشد. با افزایش هزینه‌های تولید منحنی عرضه کل اقتصاد به سمت چپ انتقال یافته و باعث کاهش تولید در هر سطح قیمت خواهد شد. بنابراین در این حالت اضافه تقاضا بوجود می‌آید که سبب افزایش قیمت‌ها خواهد شد.

نکته بارز تورم فشار هزینه آن است که در این تورم افزایش قیمت‌ها بر اثر انتقال منحنی عرضه کل بوجود می‌آید. به عبارت دیگر با افزایش هزینه‌های تولید و انتقال منحنی عرضه کل به سمت چپ قیمت‌ها افزایش یافته و از سطح تولید و اشتغال نیز کاسته شده و بیکاری افزایش می‌یابد. در واقع این نوع تورم شبیه به انتقال منحنی فیلیپس به سمت بالاست که هم تورم و هم

بیکاری افزایش می‌یابند. چون این نوع تورم همراه با کاهش تولید و اشتغال و افزایش بیکاری است به آن تورم رکودی نیز گفته می‌شود که تورم و رکود با هم همراه هستند.

نوع دیگری از تورم فشار هزینه افزایش قدرت انحصاری تولیدکنندگان و افزایش حاشیه سود آنها می‌باشد. افزایش قدرت انحصاری تولیدکنندگان سبب کاهش تقاضای نیروی کار شده و به کاهش اشتغال و تولید می‌انجامد. کاهش عرضه کل نیز سبب فشار بر روی قیمت‌ها شده و در نتیجه تورم بروز می‌کند (رحمانی، ۱۳۷۹، صص ۱۲۳-۱۲۷).

۲-۱-۲) نظریه تورم ساختاری

گرچه نظریه واحدی تحت عنوان نظریه تورم ساختاری وجود ندارد، اما در کل می‌توان گفت تورم ساختاری بدان معنی است که به دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و مواردی از این دست تورم بروز کرده و تداوم می‌یابد. در واقع این نوع تورم یک توضیح ساده فشار تقاضا یا فشار هزینه ندارد بلکه عوامل گوناگون و اغلب پیچیده‌ای در ایجاد و تداوم آن نقش دارند. تورم ساختاری عمدتاً خاص کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه است. نکته مهم آن است که اگر تورم در کشورهای توسعه‌یافته با بکارگیری سیاست‌های پولی و مالی انقباضی تا حد زیادی قابل درمان و کنترل است، در مورد تورم ساختاری در کشورهای در حال توسعه چنین نیست و استفاده از این سیاست‌ها به منظور مقابله با تورم ممکن است چندان کارساز نبوده و هزینه‌های زیادی برای این‌گونه اقتصادها داشته باشد. در توضیح تورم ساختاری به عواملی از قبیل کمبود زیر بناها و زیرساخت‌های اقتصادی، گسترده بودن بخش دولتی و تضعیف بخش خصوصی یا وجود قوانین و مقررات بازدارنده فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی، کسری بودجه مداوم و در حال گسترش دولت، گسترده‌گی بخش خدمات نامتناسب با نیاز این‌گونه جوامع که عمدتاً در سرویس‌دهی به بخش گسترده دولت رشد می‌کند، گسترش بی‌رویه و شدید شهرنشینی، رشد سریع جمعیت و مواردی از این دست می‌توان اشاره کرد (داوودی و ربیعی، ۱۳۸۰، ص ۵).

بخش دوم: مبانی نظری رشد اقتصادی

۲-۲) مروری بر ادبیات رشد از منظر اقتصادی

در این بخش، ابتدا تعاریف مربوط به رشد اقتصادی به صورت کوتاه و مختصر بیان شده و تفاوت‌های بین رشد و توسعه و نظریه‌های رشد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱) تعاریف رشد در ادبیات اقتصادی

از دیر باز همواره بحث‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی کنار یکدیگر اما با مفاهیم بعضاً متفاوت قرار داشته‌اند. برخی از اقتصاددانان اولیه مانند اسمیت^۱ و ریکاردو^۲ مباحثی را در ارتباط با رشد اقتصادی مطرح کرده‌اند اما از سال ۱۸۷۰ میلادی رشد اقتصادی به عنوان یک نظریه اقتصادی مطرح شد. مدت‌ها پس از آن، مقوله توسعه اقتصادی مطرح شد و بحث‌های پیرامون آن در دو دهه گذشته از جمله داغ‌ترین مباحث اقتصادی بوده است (محمدزاده، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

رشد اقتصادی عبارت است از افزایش مادی کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین و در مفهوم کلی خود نیز صرفاً پدیده‌ای کمی است. مایکل تودارو^۳ رشد اقتصادی را فرآیند پایداری که در اثر آن ظرفیت تولید اقتصادی، طی زمان افزایش می‌یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی تعریف کرده است. میردال نیز رشد اقتصادی را به صورت افزایش در تولید ناخالص ملی تعریف کرده است. از نظر کوزنتس^۴ رشد اقتصادی مفهومی دقیق‌تر دارد. بر اساس تعریف وی رشد اقتصادی عبارت است از افزایش بلندمدت ظرفیت تولیدی به منظور عرضه کالاهای متنوع‌تر اقتصادی به مردم (جعفری صمیمی و قلی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

اما مقوله توسعه اقتصادی پدیده‌ای عام‌تر از رشد اقتصادی بوده و علاوه بر آن که رشد اقتصادی را در بر می‌گیرد، ابعاد کیفی دیگری نظیر بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی را در بطن خود دارد. تعاریف ارائه شده از واژه‌های رشد و توسعه نیز تفاوت‌هایی را بین این دو مفهوم نشان می‌دهد. تفاوت بین این دو واژه ریشه در خصوصیات و علل تغییرات دارد.

^۱. Smith, (۱۷۷۶)

^۲. Ricardo, (۱۸۱۷)

^۳. Michel Todaro

^۴ Kuznets, (۱۹۵۵)

شومپیتر^۱ تعریف بهتری از تفاوت بین این دو واژه را بدست می‌دهد. مطابق تعریف او توسعه عبارت است از تغییرات مداوم و خودبخودی در کشورهای در حال توسعه که بعد از استقلال سیاسی تعادل اقتصادی موجود در اقتصاد را از دست داده‌اند، در حالی که رشد عبارت است از تغییرات آرام و تدریجی در شرایط اقتصادی در بلندمدت که در نتیجه افزایش تدریجی در نرخ پس‌اندازها و جمعیت ایجاد می‌شود. نظرات شومپیتر در مورد رشد و توسعه اقتصادی به صورت گسترده مورد قبول اقتصاددانان نئوکلاسیک قرار گرفته است. بر طبق نظر کیندلبرگر^۲ رشد اقتصادی به معنی تولید بیشتر است، در حالی که توسعه اقتصادی شامل تولید بیشتر و تغییرات در نحوه سازمان تولید است. رشد اقتصادی نیز نه تنها ممکن است شامل تولید بیشتر از طریق استفاده بیشتر از مواد اولیه باشد، بلکه به معنی افزایش کارایی تولید و افزایش میزان تولید به مقیاس مواد اولیه مورد استفاده می‌باشد. فریدمان^۳ از رشد به معنی گسترش سیستم در جهات مختلف بدون تغییر در زیر بنای آن و از توسعه به عنوان یک روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی یاد می‌کند. بنابراین، رشد اقتصادی به افزایش کمی و مداوم در تولید یا درآمد سرانه کشور و از طریق ارتباط با افزایش در نیروی کار، مصرف، سرمایه و حجم تجارت اطلاق می‌شود (قره باغیان، ۱۳۷۶، ص ۷).

۲-۲-۲) مروری بر مدل های رشد در ادبیات اقتصادی

هدف اصلی سیاست‌های اقتصادی غالباً افزایش ظرفیت بالقوه تولید و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار است، به طوری که در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی افزایش درآمد ملی مبتنی بر اشتغال کامل به عنوان مهم‌ترین متغیر کلیدی مورد توجه قرار می‌گیرد. اقتصاددانان اولیه نظیر (اسمیت و ریکاردو) مباحثی را در مورد رشد مطرح نموده‌اند اما دقیقاً پس از سال ۱۸۷۰ است که رشد به عنوان یک نظریه اقتصادی مطرح می‌شود به طوری که از مقاله‌های موجود در نوشته‌های اقتصادی سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۳۲ آشکار است برای اولین بار اقتصاددانی به نام (ون نیومن)^۴ یک

^۱. Schumpeter, (۱۹۳۴)

^۲. Kindelberger, (۱۹۶۵)

^۳. Friedmann, (۱۶۷۲)

^۴. newman, (۱۹۳۷)

مدل ریاضی بسیار ساده برای نظریه رشد مطرح نمود. اما مدل‌های رشد هارود^۱ - دومار^۲ اولین مدل‌های رشدی بود که رفتار اقتصاد را در بلندمدت بررسی می‌کرد (محمدزاده، ۱۳۸۱، ص ۷۸).

تفاوت بین نرخ رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی و اختلاف فاحش در میزان و کیفیت رشد در بین کشورهای صنعتی و در حال رشد، توجه به تئوری‌های رشد را شتاب بخشید. بنابراین برای بررسی علل و عوامل موثر بر رشد اقتصادی کشورها، الگوهای رشد متعددی طراحی شد این الگوها نیز همانند سایر الگوها در طول زمان تکامل یافتند و برای تطبیق با دنیای واقعی فرض‌های انعطاف‌ناپذیری را در بر گرفتند. مطالعات اولیه عمدتاً بر نقش سرمایه فیزیکی به عنوان عامل رشد تأکید داشته است ولی مطالعات اخیر با گسترش مفهوم سرمایه از حیطة محدود ماشین‌آلات و تجهیزات به محدوده وسیع‌تری که دانش متبلور شده در انسان و تحقیقات از یک سو و نهادهای اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی از سوی دیگر را شامل می‌شود، تلاش نموده‌اند نواقص تحلیل‌های کلاسیک رشد اقتصادی را برطرف نمایند. با توجه به اینکه مدل‌های رشد برون‌زا قادر به پاسخگویی و تحلیل رشد اقتصادی در جوامع نبودند مدل‌های رشد درون‌زا مطرح شدند. پل رومر^۳، رابرت لوکاس^۴ و رابرت بارو^۵ پایه‌گذاران عرصه‌های جدید از نظریات رشد یعنی مدل‌های رشد درون‌زا می‌باشند. وجه تمایز مدل رشد برون‌زا و درون‌زا را باید در جایگاه تکنولوژی در آنها دانست. مدل‌های جدید با قراردادن این تغییرات در درون مدل در جرگه‌ی مدل‌های درون‌زا طبقه‌بندی می‌گردند (شاکری، ۱۳۷۶، فصل ۲۳). در ادامه چند الگوی رشد به صورت اجمالی بررسی شده است.

۲-۲-۱) الگوی رشد کلاسیک

مدل‌های رشد عمدتاً بر سه فرض اساسی استوار است:

- ۱- عرضه نیروی کار به صورت برون‌زا تعریف می‌شود.
- ۲- تابع تولید، نهاده‌های نیروی کار و سرمایه را به سطح تولید مربوط می‌کند.

^۱. Harrod, (۱۹۳۹)

^۲. Domar, (۱۹۵۷)

^۳ P. Romer, (۱۹۸۶)

^۴ R. Lucas, (۱۹۸۸)

^۵ R. Barrow, (۱۹۹۰)

۳- رابطه بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

مطابق فرض ۱، نیروی کار دارای نرخ رشد برون‌زا می‌باشد که این نرخ رشد خارج از سیستم تعیین می‌شود و با در دست داشتن این نرخ میزان نیروی کار موجود در هر لحظه از زمان را می‌توان به دست آورد. فرض تابع تولید دومین رابطه اساسی در مدل‌های رشد می‌باشد که نهاده‌های سرمایه و نیروی کار را به تولید تبدیل می‌کند.

$$Y_t = F(K_t, L_t) \quad (1)$$

سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه، آخرین و مهم‌ترین رابطه در ساختمان و مدل‌های رشد می‌باشد که رابطه بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. هر اقتصادی باید نسبت معینی از درآمدش را پس‌انداز کند، حتی اگر این پس‌اندازها تنها به منظور جانشین ساختن کالاهای سرمایه‌ای و ساختمان، ماشین‌آلات و نیز مواد خام و مستهلک شده باشد. به عبارتی طبق فرض سوم، سرمایه‌گذاری جدید که نمایانگر افزایش ویژه‌ای در موجودی سرمایه است لازم و ضروری است.

$$I_t = \Delta K_t = dK / dt \quad (2)$$

که در حالت تعادل می‌بایست این سرمایه‌گذاری برابر با کل پس‌انداز (S) باشد (محمدزاده، ۱۳۸۵، ص ۷۹)

$$S_t = I_t = dK / dt \quad (3)$$

۲-۲-۲-۲) نظریه رشد اقتصادی هارود - دومار

مدل هارود - دومار اولین مدلی است که رفتار اقتصادی را در بلندمدت مورد تجزیه و تحلیل

قرار می‌دهد فرضی که در مدل استفاده می‌شود به ترتیب زیر است:

۱- اقتصاد در بلندمدت در رقابت کامل است.

۲- نرخ رشد نیروی کار ثابت فرض می‌شود.

۳- عوامل تولید مکمل هم هستند.

۴- نسبت نیروی کار به محصول ثابت است.

۵- نسبت معینی از درآمد پس‌انداز می‌شود.

در این مدل بحث از حالت Steady State یعنی رشد مداوم و وضعیت پایا شده است. در

حالت تعادل داریم:

$$S_t = I_t \Rightarrow SY_t = a^*(Y_t - Y_{t-1}) \Rightarrow Y_t - Y_{t-1} / Y_{t-1} = s/a^* = g_w$$

که در آن g_w نرخ رشد مطلوب است و a^* نسبت سرمایه به تولید که بوسیله عامل تکنیکی S و s (میل به پس انداز) بوسیله عامل روانی مشخص می‌شوند. هارود - دومار، در مدل خود، نرخ رشد مطلوب واقعی را در نظر می‌گیرند. نرخ رشد مطلوب، نرخ رشدی است که در آن تمام تولیدکنندگان در وضعیتی هستند که تمایلی برای افزایش تولید ندارند. برای اینکه سرمایه به طور کامل به کار گرفته شود تولید باید با نرخ تضمینی $Y = S/a^*$ رشد یابد. از طرفی برای اینکه نیروی کار در اشتغال کامل باشد تولید باید با نرخ طبیعی $Y = n + \lambda$ رشد کند. برای اینکه هنگام رشد اقتصاد، کار و سرمایه هر دو به طور کامل به کار گرفته شوند بر طبق شرط هارود - دومار خواهیم داشت.

$$n + \lambda = S/a^*$$

اما چون $n + \lambda$ ، S ، a^* همگی طبق فرض ثابت هستند، امکان رشد تعادلی با اشتغال کامل هر دو عامل کار و سرمایه تقریباً صفر است. این ضعف عمده به مدل کلاسیک هارود - دومار به دلیل فرض اولیه چسبنده و انعطاف‌ناپذیر آن است. شرط هارود - دومار به عنوان شرط لبه چاقو مشهور شده است که در آن اگر $n + \lambda$ دقیقاً مساوی S/a^* باشد همه چیز در شرایط آرمانی و مطلوب است، ولی اگر مساوی نباشد مدل از تعادل اشتغال کامل دور می‌شود. با توجه به مشکلات این مدل می‌توان گفت این الگو در نظریات توسعه در دوران پس از خود تأثیرات قابل ملاحظه‌ای گذاشته و به نوعی در این زمینه پیشگام بوده است (شاگری، ۱۳۷۶، صص ۶۸۸-۷۰۶).

۲-۲-۳) الگوی رشد نئوکلاسیکی

مدل رشد نئوکلاسیک‌ها که توسط سولو^۱ پی‌ریزی شده بر یک تابع تولید با ویژگی‌های بازدهی نسبت به مقیاس ثابت و قابلیت جانشینی کار و سرمایه با یکدیگر و کاهنده بودن بهره‌وری

^۱. solow, (۱۹۵۶)